

گزارش نخستین روز همایش دوسالانه ادبیات کودک و مطالعات کودکی با عنوان "ادبیات و دیگری" (۹۷/۸/۲)

قسمت ششم:

(سخنرانی اصلی پنل دوم همایش در روز نخست)

عبدالرحمن نجل رحیم: "ما محتاج ادبیات پیش زبانی هستیم"

دکتر عبدالرحمن نجل رحیم، عصب‌شناس و مغز پژوه، در سخنانی با عنوان «دیگری در مغز پژوهی امروز و لزوم به‌کارگیری آن در ادبیات کودک» گفت آنچه می‌خواهم ارائه بدهم دیدگاهی است که مغز پژوهی امروز برای شناخت بهتر از مفهوم انسان به ما ارائه می‌دهد. دیدگاهی که دریافت آن باعث می‌شود نیازهای بشری را بهتر و سریع‌تر بشناسیم. ما می‌توانیم با شناخت این نیازها، ادبیاتی را خلق کنیم که پاسخی به آن نیاز باشد. وی این پرسش را مطرح کرد که آیا می‌شود مشترکات و همکاری‌های بیشتری بین مغز پژوهی و ادبیات کودک پیدا کرد؟

دکتر نجل رحیم افزود: در دیدگاه عصب پژوهی، دیگری خیلی زود پدیدمی‌آید. امروز تحقیقات نشان می‌دهد که تفکیک من از دیگری در کودکان بسیار سریع رخ می‌دهد. تصور غالب این است که دیگری بعد از زبان بازکردن و فرهنگ‌پذیرشدن کودک برای او شناخته می‌شود، اما این‌گونه نیست. تفکیک من و دیگری برای کودک در رحم مادر صورت می‌گیرد.

وی با انتقاد از رویکردهای عامیانه به مسئله روانشناسی و نسبت آن با ادبیات گفت روانشناسی عامیانه بر پایه آگاهی بنا شده است؛ ولی قسمت اعظم تولیدات ذهن به‌صورت ناآگاهانه پدید می‌آید. ما برای شناخت بهتر خود محتاج شناخت بخش عظیمی از ذهن خود هستیم که به دلیل ناخودآگاه بودن، درخودمانده و ناشناخته است. این بخش را نمی‌توان با روایت‌های معمولی گزارش کرد و به دلیل این‌که ما راه درست بیان آن را بلد نیستیم پنهان می‌ماند. مغز پژوهی در پی شناخت این بخش پنهانی است.

این عصب پژوه، سپس به خاستگاه شکل‌گیری ارزش‌های انسانی پرداخت و گفت سیستم ارزشی انسان بر مبنای هیجان و احساسات شکل می‌گیرد و هیجانات، پیش از باز کردن زبان در انسان پدید می‌آیند. احساس همدلی یا ایجاد نقطه اشتراک با دیگری نیز هم‌زمان با شکل‌گیری این سیستم احساساتی در انسان شکل می‌گیرد. شاید ابتدایی‌ترین آگاهی‌ای که انسان آن را

تجربه می‌کند، احساس انسان بودن است. اگر ما چنین دوره‌ای راداریم که پیش از باز کردن زبان، انسان‌ها آگاه به وضعیت خود هستند، پس باید ادبیات این دوره را هم داشته باشیم. ما محتاج دوره‌ای از ادبیات به نام ادبیات پیش‌زبانی هستیم.

نجل رحیم سپس به طرح این پرسش پرداخت که چه اتفاقی می‌افتد که ما احساسات‌مند می‌شویم؟ وی درباره اهمیت این پرسش گفت با اندیشیدن به این پرسش می‌شود بُعد جدیدی به روانشناسی افزود که می‌توان آن را "روانشناسی ناآگاهانه" نامید. این علم می‌تواند علم نقشه‌خوانی بخش ناآگاه مغز باشد. اگر بتوانیم به این نقشه‌خوانی برسیم از زمان فیثاغورث و ارسطو بیرون می‌آییم. ادبیات ما هنوز فکر می‌کند قلب، جای احساسات ماست ولی این استعاره باید عوض شود. در قرن بیست‌ویک ما به استعاره‌هایی نیازمندیم که برآمده از علم این عصر باشد. چرا نباید به کودکانمان یاددهیم که جای احساس در مغز ماست؟ وظیفه ادبیات، تعویض این‌گونه استعاره‌ها هم هست. ادبیات باید تحت تأثیر علم قرار بگیرد. همان‌گونه که پیشتر هم قرار گرفته و اکنون متأثر از علم قدیم است.

وی یکی از اشتباهات بزرگ را جدایی عقل از احساس دانست و افزود احساسات برای هدایت عقل مهم است و تفکیک بین این دو درست نیست. ناآگاهی جدا از آگاهی نیست. آگاهی ما بر بنیان ناآگاهی ما قرار دارد.